

واکاوی شاخص‌های مؤثر بر حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان

سعید خسروی^۱ دریافت: ۹۸/۶/۱۲

حمید احمدی^۲ پذیرش: ۹۸/۹/۲۸

گارینه کشیشیان سیرکی^۳

چکیده

مهم‌ترین مسئله شهر زاهدان مربوط به عدم توسعه‌یافتگی و توسعه ناپایدار است، با توجه به نظریه حکمرانی خوب، اصلی‌ترین شاخص حکمرانی خوب شهری که بتواند شکاف سیاسی را حل کند و به توسعه مطلوب برسد؛ توسعه سیاسی است. هدف پژوهش حاضر واکاوی شاخص‌های مؤثر بر حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان است. روش گردآوری داده‌ها حاضر توصیفی-پیمایشی است و از نظر هدف کاربردی و از نظر زمان مقطعی است. جامعه آماری پژوهش مردم شهر زاهدان می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران نامحدود، تعداد ۳۸۴ نمونه به دست آمد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و از ابعاد مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی، همبستگی اجتماعی، اعتماد عمومی و حاکمیت قانون تشکیل شده است که نشان‌دهنده ابعاد حکمرانی خوب شهری است و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار spss22 و از آزمون‌های توزیع فراوانی، فرمالیته و آزمون t مستقل، استفاده شد که طبق نتایج حاصل از پژوهش، به نظرمی‌رسد مشارکت در انتخابات

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. saeidkhosravi65@gmail.com

^۲ استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران، ایران. (نویسنده مسئول). hahmadi@ut.ac.ir

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. g.keshishyan71@gmail.com

و شهر در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است. به نظر می‌رسد توسعه سیاسی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است و کم‌رنگ کردن شکاف قومیتی از طریق همبستگی اجتماعی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است. به نظر می‌رسد اعتماد عمومی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است.

کلید واژگان: حکمرانی خوب، مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی، همبستگی اجتماعی، اعتماد عمومی، حاکمیت قانون

مقدمه و بیان مسئله

هرکس نام زاهدان را می‌شنود، ناخواسته محرومیت و عدم توسعه‌یافتگی به خاطرش می‌رسد؛ و اتفاقاً راه‌حل عدم توسعه‌یافتگی آن مربوط به مردمان و اقوام آن است. زاهدان را دو قوم فارس با گرایش مذهبی شیعه و بلوچ با گرایش مذهبی سنی تشکیل می‌دهد. در حال حاضر شاهد یک شکاف هویتی و شکاف مذهبی هستیم که جمعاً منجر به عدم یکپارچگی و یکدستی مطالبات مردم و نخبگان در جهت توسعه، شده است. حل این مسئله با توجه به الگوی حکمرانی خوب و جامعه مدنی که منجر به مشارکت سیاسی می‌شود؛ قابل حل است. لذا توسعه سیاسی و رشد آگاهی‌های سیاسی و انتخابات آزاد به‌دوراز نگرش‌های طایفگی و فامیلی، راه‌حل الگوی مدنظر حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان است.

نگاهی به سیر تحول رویکرد اداره و مدیریت شهری نشان می‌دهد که دیگر نمی‌شود همچون گذشته بدون توجه به رویکرد مشارکتی و توجه به مقیاس‌های محلی به برنامه‌ریزی پرداخت (شمس پویا و توکلی نیا،^۱ ۲۰۱۷: ۱۹۵). برای تجزیه تحلیل مدیریت شهری باید به شناخت وضعیت موجود پرداخت. از نظر هاروی یکی از معروف‌ترین کمک‌ها برای شناخت مدیریت شهری این است که تغییر در عملکرد عرصه مدیریتی را توضیح دهد (توما و کاستا،^۲ ۲۰۱۷: ۲۱۰۸) از دهه ۱۹۸۰ موضوع حکمرانی به‌موازات تأثیرات جهانی شدن در مسائل سیاسی موردبررسی قرار گرفته است و در راستای به‌کارگیری

^۱. Shampouya & Tavaklinia

^۲. Toma & Costa-Marti

آن تقسیم‌بندی مسئولیت‌ها در عرصه شهری شکل گرفته است (اوزن،^۱ ۲۰۰۷: ۱۲۷). در سیستم مدیریت شهری نوین برای رفع این مشکلات و چالش‌های در زندگی شهری، الگوهای متعددی ارائه شده است. یکی از این الگوها که مدل غالب در مدیریت شهری محسوب می‌شود، الگوی حکمرانی خوب شهری است (دول ون دن و همکاران،^۲ ۲۰۱۵: ۱۱۳).

حکمرانی موضوعی است که بر نحوه تعامل دولت‌ها و سایر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده تمرکز داشته و فرایندی است که از طریق جوامع و سازمان‌ها تصمیمات خود را اتخاذ و به واسطه آن، مشخص می‌کنند که چه کسانی در این فرایند درگیر و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانند (گیلانیا و همکاران،^۳ ۲۰۱۱: ۹۱). برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری یکی از وظایف و ابزارهای مهم مدیریت درست است که بر اساس آن روش‌های دستیابی به هدف‌ها اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... شناسایی می‌شود (تومانی و چری مور،^۴ ۲۰۱۸: ۳). برای نیل به هر هدف و انجام هر فعالیتی نیازمند برنامه‌های مناسب هستیم که در دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت تدوین می‌شوند. با ناتوانی دولت‌ها در پاسخگویی به نیازهای گوناگون شهری و منطبق نبودن نیازها و خواسته‌های شهروندان با طرح‌ها و برنامه‌های ارائه شده و ضرورت مسئولیت‌پذیری بیشتر در اداره امور شهری، امروزه الگویی از اداره شهرها بر پایه نگرش نوینی از حکمروایی شهری مطرح شده است که همسو با دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی به مشارکت جدی در اداره امور شهرها فراخوانده می‌شوند (برونتا و همکاران،^۵ ۲۰۱۹: ۱۸).

حکمرانی خوب نقش مهمی را در شکل دادن فضایی مناسب برای مشارکت شهروندان ایفا می‌کند. ولی در سال‌های اخیر مشارکت در طرح‌های برنامه‌ریزی کم بوده است که

¹. Uzun

². Dool den van et al

³. Gilaninia et al

⁴. Tomaney and Chery-Moore

⁵. Brunetta et al

نشان‌دهنده‌ی شکاف قابل‌توجه نظریه و عمل است. برنامه‌ریزی نامناسب مدیریتی و بی‌نظمی‌های عمومی ناشی از بوروکراسی و رویکرد برنامه‌ریزی از بالا به پایین است که به‌طور مشترک به سطح پایین مشارکت شهروندان منجر می‌شود (اسواین و شاهیدول،^۱ ۲۰۱۶: ۱۹). چالش‌های مربوط به رویکرد سنتی بخش‌های دولتی اثرات نامطلوبی بر مدیریت و حکمرانی شهری، توافقات سیاسی، پروسه‌های تصمیم‌گیری، ارائه خدمات در سطوح مختلف حکومتی و تخصیص منابع مالی برای توسعه شهری داشته است.

برای حل این چالش‌ها رویکرد حکمرانی خوب شهری موردتوجه قرار می‌گیرد که در آن‌همه افراد جامعه تأثیرگذار خواهند بود (راکودی،^۲ ۲۰۰۳: ۵۲۳). حکمرانی شهری برخلاف مدیریت شهری، فرایندی مدیریتی است که به اتخاذ و حفظ زیربناها و خدمات شهری می‌پردازد. حکمرانی شهری فرایندی کاملاً سیاسی در نظر گرفته می‌شود بنابراین حکمرانی شهری را می‌توان فرایندی دانست که بر اساس کنش متقابل میان سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر از یک‌طرف و سازمان‌های غیردولتی و تشکل‌های جامعه مدنی از طرف دیگر شکل می‌گیرد (موحد و همکاران،^۳ ۲۰۱۴: ۱۵۲) در شبکه‌های حکمرانی از یک‌طرف اهداف سازمان‌های فردی و از طرف دیگر نفع جمعی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند به‌عنوان دستیابی به اهداف مشترک، همکاری بین شبکه‌های حکومتی، منافع متقابل بیان، اعتماد مومی و حاکمیت قانون می‌شود (عدنبوس و مرکرک،^۴ ۲۰۱۷: ۱۱). به‌عبارت‌دیگر، حکمرانی به کنش، روش یا سیستمی از اداره کردن برمی‌گردد که در آن مرز بین سازمان‌ها و بخش‌های عمومی و خصوصی قابل‌نفوذ باشد (رضایی و مؤذن،^۵ ۲۰۱۷: ۱۲۵).

رهیافت سنتی و متداول مدیریت شهری بر مبنای تمرکزگرایی در سطح ملی و تمرکززدایی در سطح محلی، برنامه‌ریزی یکپارچه در سطح کلان ملی، برنامه‌ریزی بخشی میان‌مدت، نظام بسته و انحصار - طلبانه دولتی، اقدامات واکنشی و تنظیم‌کننده وضع

^۱. Swapan & Shahidul

^۲. Rakodi

^۳. Movahed et al

^۴. Edelenbos & Meerkerk

^۵. Moazen & Rezaei

موجود با استفاده از راه‌حل‌های فن‌سالارانه استوار بوده است (لاله پور، ۱۳۹۶: ۶۰). جامعه جهانی، امروزه به این نتیجه رسیده است که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی یا فن‌آوری مدرن و یا نیروی انسانی ماهر نیست، بلکه پیش و بیش از همه، مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است (تقوایی و تاج‌دار، ۱۳۹۲: ۴۶). در میان رویکردهای گوناگون مطرح‌شده در عرصه مدیریت شهری، حکمرانی خوب شهری از مطرح‌ترین رویکردهاست. این الگو در زمان حاضر در مجامع بین‌المللی و محافل کارشناسی تنها راه خروج از بن‌بست فقر و توسعه‌نیافتگی شهرها تلقی می‌شود و مدیریت شهری چاره‌ای جز اجرای آن ندارد؛ زیرا اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت است (تراپی، ۱۳۹۵: ۵). اگر رژیم‌های سیاسی را به دودسته‌ی عمده دموکراتیک و اقتدارطلب تقسیم کنیم؛ از رژیم‌های دموکراتیک با ویژگی‌هایی چون ساخت چندجانبه قدرت و سازمان فضایی متکثر، منعطف، همگرا، پایدار و انسان‌محور، در عرصه مدیریت، حکمرانی خوب شهری منتج می‌شود (رهنما و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۹۸).

در یک جامعه مدنی، جامعه‌پذیری سیاسی به‌مثابه پرسشگری از قدرت و لزوم سامان بخشیدن به کنش سیاسی و آشنایی با مفاهیم جدید سیاسی جلوه می‌کند، ولی در یک جامعه توسعه‌نیافته، جامعه‌پذیری سیاسی صرفاً تحمیل خواست حاکمیت بر تفکر سیاسی و واکنش سیاسی افراد است. در یک جامعه مدنی، حاکمیت، خود را با کنش سیاسی شهروندان هماهنگ می‌کند ولی در جامعه توسعه‌نیافته، افراد کنش سیاسی خود را با حاکمیت منطبق می‌سازند (اسماعیل‌زاده و صرافی، ۱۳۹۴: ۳). برای گریز از مشکلات اداره مناطق شهری به درک معنای عبارت حکمرانی خوب و توسعه مکانیسم‌های مرتبط با آن برای ارزیابی کارایی و ارائه مبنایی برای بهبود نیاز است (لوک وود،^۱ ۲۰۱۶: ۴۳۶).

مفهوم حکمرانی شهری که بر همیاری دولت و جامعه مدنی مبتنی است، بر این اصل بنیادی استوار است که دولت‌ها به‌جای آنکه به‌تنهایی مسئولیت کامل اداره‌ی شهرها را در همه سطوح آن بر عهده گیرند؛ باید در کنار شهروندان، بخش خصوصی و مردمی به‌عنوان یکی از نهادها یا عوامل مسئول اداره شهر محسوب شوند. با توجه به اینکه ساختار مدیریت

^۱. Lock Wood

شهری یکی از ابعاد بسیار مهم حکمرانی شهری محسوب می‌شود، در سطح شهرهای ایران نیز که نهاد مدیریت شهری از دو سازمان شهرداری‌ها و شوراهای شهر تشکیل شده است، با توجه به دو عامل انتخابی بودن و ارتباط نزدیک و مستقیم با مردم، می‌توانند یکی از مهم‌ترین سازوکارها برای تحقق حکمرانی خوب باشند؛ اما اینک به‌رغم اینکه شوراها در راستای عدم تمرکز و افزایش مشارکت شهروندان در اداره امور محلی راه‌اندازی گردیده‌اند، لیکن به جهت تعاریف مبهم و ناقص، این شوراها هنوز با سازمان‌های مختلفی نظیر وزارت کشور، نیرو، نفت، پست و تلگراف و تلفن، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مسکن و شهرسازی ارتباطی یک‌سویه داشته و هنوز به نقش و جایگاه واقعی خود جهت تحقق اهداف مدیریت یکپارچه و حکمرانی خوب شهری نرسیده‌اند (ابراهیم‌زاده و اسدیان، ۱۳۹۵: ۱۸)؛ لذا تعیین جایگاه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری و شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان و راهبرد مطلوب جهت گذار از حکومت به حکمرانی در مدیریت شهر زاهدان مسئله‌ی اصلی تحقیق می‌باشد و پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به اهداف زیر است: ۱- شناخت نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید حکمرانی خوب در شهر زاهدان؛ ۲- تحلیل جایگاه حکمرانی خوب شهری در زاهدان بر اساس مدل SWOT؛ ۳- شناخت وضعیت عوامل داخلی (قوت و ضعف) شهر زاهدان از نظر حکمرانی خوب و نحوه‌ی واکنش آن نسبت به عوامل خارجی (فرصت و تهدید).

هدف پژوهش حاضر واکاوی شاخص‌های مؤثر بر حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان است. حکمرانی خوب در شهر زاهدان آن‌طور که باید و شاید نتوانسته در شهر زاهدان نمود پیدا کند. مسائل قومی از شاخص‌های عمده در شناخت ظرفیت کشورها برای نیل به ثبات و دوری از خشونت به حساب می‌آید.

به‌طوری‌که ظرفیت دولت‌ها در بهره‌گیری از تجارب اقوام و فرهنگ‌های مختلف به پیشرفت اقتصادی و انسجام اجتماعی می‌انجامد؛ اما ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه‌سازی گروه‌های قومی گوناگون و تبدیل آن‌ها به نیروی سیاسی متحد، تهدیدات امنیتی را به همراه می‌آورد. با توجه به عملکرد ناموفق دولت‌ها در استفاده از توانایی‌های اقوام در داخل کشورها، به نظرمی‌رسد که تهدیدات ناشی از اقلیت‌ها در کشورهای مختلف بیش از فرصت‌های ناشی از این آن‌ها باشد. چنانکه رشد احساسات قومی و جدایی‌طلبی

در مناطق مختلف، بحران‌های فراوانی را دامن‌گیر دولت‌ها ساخته و منازعات قومی را گسترش داده است. از دهه‌های گذشته تاکنون درگیری‌های مختلفی در سطح جهان وجود داشته که بسیاری از آن‌ها منشأ نژادی و قومی داشته‌اند و از سویی افزایش این منازعات به حدی است که معادلات سیاسی و ترتیبات ژئوپلیتیک را در سراسر جهان به چالش فراخوانده است (طلوعی، ۱۳۹۵: ۱۰۹). از سوی دیگر اعتماد عمومی و حاکمیت قانون، مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی از دیگر متغیرهایی است که به نظرمی‌رسد در خصوص حکمرانی خوب در شهر زاهدان با توجه به نوع فرهنگ، موردبررسی قرار گیرد و موجبات توسعه پایدار را فراهم سازد.

پژوهش حاضر به دنبال بررسی این سؤال است که چه عواملی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان تأثیر دارد؟

۱. چارچوب نظری

حکمرانی خوب سازمان ملل حکمرانی مطلوب را مشارکت برابر همه شهروندان در تصمیم‌گیری می‌داند که نه تنها شامل دولت بلکه همچنین شامل جامعه مدنی و بازار است که نهایتاً به ایجاد شرایط قانونمندی و کنش جمعی کمک می‌کند. حکمرانی خوب شهری در این معنی حاوی معنایی دوگانه است؛ زیرا در یک سمت به تجلیات تجربی انطباق دولت با محیط بیرونی و از طرف دیگر بر الگوی مفهومی یا نظری همیاری نظامات اجتماعی و نقش دولت در این فرآیند مربوط است (بهویان، ۱، ۲۰۱۰: ۱۲۶). حکمرانی خوبی که توسط بانک جهانی ترویج می‌شود یا به عبارت دیگر الگوی نئولیبرال، اعمال قدرت سیاسی در اداره امور یک کشور است. از آنجاکه در تعریف بانک جهانی بر اصلاحات در جهت ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی تأکید می‌شود می‌توان گفت نگاه بانک جهانی نگاهی لیبرال دموکراتیک یا همان نئولیبرالیستی است. حکمرانی خوب در پرتو دیدگاه توسعه انسانی (برنامه توسعه سازمان ملل)، به معنی اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و مدیریتی در اداره امور یک کشور است. حکمرانی خوب از نگاه حقوق بشر نیز بر این است که توسعه پایدار محقق نمی‌شود مگر همه افراد دسترسی کامل به حقوق انسانی

^۱. Bhuiyan

خویش و بهره‌مندی از آن‌ها را داشته باشد. از این دیدگاه فقر و حاشیه‌ای شدن نتیجه نادیده گرفتن حقوق بشر است.

۱-۱. اصول و معیارهای حکمرانی خوب شهری

سازمان ملل در چارچوب فعالیت‌های خود به منظور استقرار حکمروایی شهری در شهرهای جهان و در قالب برنامه ابتکار عمل حکمروایی شهری در بیانیه‌ای که می‌توان آن را منشور حکمروایی شهری نامید، اصول نه‌گانه زیر را به عنوان معیارها و ویژگی‌های حکمروایی خوب برشمرده است که به ترتیب عبارت‌اند از: آدرا و واما^۱ (۲۰۱۱)

۱. مشارکت شهروندان: منظور از مشارکت، قدرت تأثیرگذاران بر تصمیم‌گیری‌ها و سهیم شدن شهروندان در قدرت است.
۲. حاکمیت قانون: منظور از قانونمندی در تصمیم‌گیری شهری، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌هاست. پایبندی به قانون، مستلزم آگاهی شهروندان از آن و احترام مسئولان به آن است.
۳. شفافیت: نقطه مقابل پنهان‌کاری در تصمیم‌گیری است. پنهان‌کاری، امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد؛ حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار برگردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن، وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است.
۴. مسئولیت و پاسخگویی: این معیار بر مسئول بودن و به عبارت گویاتر، حساب پس دادن مسئولان و تصمیم‌گیران در قبال شهروندان استوار است.
۵. جهت‌گیری توافقی: شهر، عرصه گروه‌ها و منافع مختلف و گاه در حال ستیز با یکدیگر است. منظور از اجماع‌سازی، تعدیل و ایجاد توافق در منافع مختلف است. این کار، مستلزم وجود ارتباط و تلاش مشترک میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های غیردولتی است.

^۱. Adera & Waema

۶. عدالت و انصاف: منظور از عدالت، ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه شهروندان در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی خود، تلاش در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری است.
۷. کار آیی و اثربخشی: این معیار بر استفاده مناسب از منابع موجود برای تأمین نیازهای شهروندان، ارائه خدمات شهری و رضایت مردم استوار است.
۸. پذیرا و پاسخگو بودن: این معیار، دو نکته مکمل را در بردارد: مسئولان شهری باید هم نیازها و خواسته‌های شهروندان را دریابند و بپذیرند و هم نسبت به آن، واکنش و پاسخ مناسب نشان دهند؛ بنابراین همسویی خواسته‌های شهروندان و اقدام مسئولان، ضروری است.
۹. بینش راهبردی: فرا رفتن از مسائل روزمره شهر و پرهیز از غرق شدن در آن‌ها، مستلزم وجود بینشی گسترده و درازمدت نسبت به آینده یا داشتن بینش راهبردی در زمینه توسعه شهری است.

۲-۱. هدف حکمرانی خوب شهری

هدف از حکمرانی خوب شهری تقویت فرایند توسعه شهری است به گونه‌ای که در جامعه، زمینه و محیط مناسبی برای زندگی راحت و کارآمد شهروندان، به تناسب ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی آنان فراهم شود. در مباحث گذشته به مفاهیم و روند شکل‌گیری حکمرانی خوب شهری پرداخته شد که با توجه به روند ذکر شده، می‌توان اهداف کلان ذیل را برای حکمرانی خوب شهری بیان کرد حکمت نیا و همکاران^۱ (۲۰۱۷):

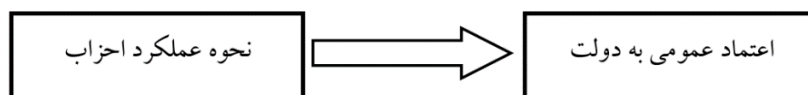
- باز ساخت جامعه مدنی برای تقویت و اعتلای بیشتر سازمان‌ها، نهادها و جوامع محلی؛

^۱. Hekmatnia et all

- کاهش فقر و جدایی‌گزینی‌های اجتماعی، قومی و فرهنگی در شهرها؛
- افزایش مشارکت و مداخله افراد و صاحبان منافع در فرایندهای سیاسی درون شهرها؛
- حکمروایی شهری به‌طور خاص‌تر نیز اهداف عملیاتی زیر را دنبال می‌کند؛
- کاهش فساد؛
- بهبود کیفیت و افزایش امکان زندگی برای همه شهروندان؛
- حفظ دموکراسی؛
- ایجاد فرصت و امکان برای مردم به‌منظور نشان دادن خواسته‌ها و آمالشان در زندگی؛
- اعتلای امنیت، برابری و پایداری.

۳-۱. عوامل سیاسی-قانونی مؤثر بر اعتماد عمومی به دولت

گستره وسیعی از علل سیاسی اعتماد یا عدم اعتماد به دولت شناسایی شده است. کینگ کاهش در شاخص‌های اعتماد به دولت را به طرفداری از احزاب سیاسی و یا تکرر آنها ربط می‌دهد (کینگ، ۱۹۹۷: ۱۵۵) از این دیدگاه جدال میان طرفداران احزاب و یا وقوع منازعات شدید سیاسی نگاه منفی عامه را نسبت به دولت در پی خواهد داشت. به اظهار می‌دارد که اعتماد عمومی به دولت به‌واسطه اتخاذ سیاست‌های علاوه نوستات نامناسبی که سوءظن و بدگمانی را به دنبال دارند، آسیب می‌بیند (نوستات، ۱۹۹۷، ۲۰۱).

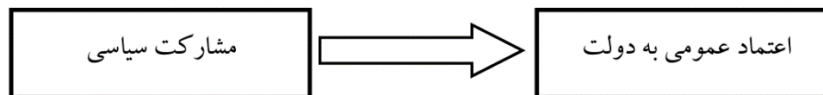


شکل ۱. ارتباط بین اعتماد عمومی به دولت و نحوه عملکرد احزاب سیاسی

قطع نظر از این بحث به نظر می‌رسد که بین ایدئولوژی سیاسی و پیوند با احزاب سیاسی از یک‌سو و اعتماد به دولت از سوی دیگر رابطه‌ای قوی وجود داشته

باشد. به‌ویژه افرادی که در چارچوب یک حزب سیاسی خاص تصدی امور عمومی را بر عهده‌دارند و یا خود را به آن حزب وابسته می‌دانند به‌طور کلی گرایش بیشتری برای اعتماد به دولت دارند. این در حالی است که اشخاص دیگری که با احزاب سیاسی مخالف دولت بیشتر پیوند دارند اعتماد کمتری را به دولت حاکم ابراز می‌نمایند. دیگر علل سیاسی مرتبط با کاهش اعتماد عمومی عبارت‌اند از: نگرش کلی مردم نسبت به سیاستمداران، وقوع رسوایی‌های سیاسی، ادراک عمومی از میزان و نحوه تأثیر گروه‌های ذینفع خاص، تغییر در نگرش عمومی راجع به قابلیت‌های سیاسی موجود یا بدبینی نسبت به آن و...

در نهایت نوریس استدلال می‌کند که میزان پشتیبانی عمومی در درون دموکراسی‌ها در میان آن دسته از دموکراسی‌هایی بیشتر است که حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی آن‌ها وسیع‌تر است. به بیان ساده او چنین وانمود می‌کند که در کشورهایی با دموکراسی‌های بهتر سطح اعتماد سیاسی نیز بالاتر است؛ البته این گفته به‌واسطه نتایجی که وی گزارش می‌کند تقویت می‌گردد: کشورهایی که کیفیت مؤلفه‌های دموکراسی (مانند آزادی، مشارکت، قانونمندی و ...) و نیز وضعیت نظام سیاسی- اداری آن‌ها بهتر است سطح بالاتری از حمایت سیاسی را دارا هستند.



شکل ۲. ارتباط بین اعتماد عمومی به دولت و نحوه عملکرد احزاب سیاسی

۱-۴. حاکمیت قانون

حاکمیت قانون از جمله مفاهیم مهم حقوق عمومی است که ریشه تاریخی در اعصار گذشته دارد و در دهه‌های اخیر در محافل حقوقی، سیاسی و حتی اجتماعی، مورد اقبال بیشتری واقع شده است، هرچند این اصطلاح در ادبیات حقوقی، معنای خاص خود را دارد، ولی امروزه به لحاظ رواج آن در محاورات سیاسی و اجتماعی و جراید و مطبوعات، نوعی ارزش اخلاقی و اجتماعی نیز پیدا کرده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۳: ۲۴).

حاکمیت قانون مفهومی است که ابتدا در حقوق داخلی نضج گرفت و سپس وارد عرصه بین‌المللی شد. از این رو برای مطالعه آن در حقوق بین‌الملل در وهله نخست باید مبانی، قلمرو و عناصر آن در حقوق داخلی مورد کنکاش قرار گیرد. حاکمیت بین‌المللی قانون به مفهوم حاکمیت قواعد حقوق بین‌الملل بر اعمال و رفتار تابعان این نظام حقوقی است. در حال حاضر حاکمیت قانون دارای ارزش جهان‌شمول گردیده تا آنجا که ترویج و توسعه حاکمیت قانون، در سطح ملی و بین‌المللی محور مأموریت‌های سازمان ملل متحد قرار گرفته است (نژندی منش و ضیایی بیگلری، ۱۳۸۹: ۶۳)

بر این مبنا، اصل (۱۶۶) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقرر می‌دارد که احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به قانون باشد. در توجیه مستدل بودن احکام در جهت تحقق عدالت قضایی می‌توان گفت که ذکر دلایل در دادنامه، موجب امنیت خاطر اصحاب دعوا را فراهم می‌سازد تا به صحت رسیدگی، حکم صادره و استدلال قاضی مطمئن گردند. طبعاً چنین عملکردی، عدالت در دستگاه قضایی و امنیت اجتماعی شهروندان را به دنبال خواهد داشت و بر همین اساس، رویه قضایی و تفاسیر مختلف حقوقی، موجبات استحکام و تقویت آراء قضایی را فراهم می‌نماید. وجود دیوان عالی کشور در نظام قضایی نیز تضمینی برای این امر به شمار می‌آید. به این بیان که این دیوان در مرحله نقض و ابرام هنگام صدور آراء تمییزی خود، احکام و آراء غیر مدلل را نقض می‌کند (جورج و پترسن،^۱ ۲۰۱۱: ۸۴).

۵-۱. مشارکت سیاسی

رشد مشارکت سیاسی به معنای رشد مشارکت شهروندان در نظام سیاسی است که نه تنها شهروندان از طریق آن، نقشی در زندگی سیاسی جامعه خود ایفای می‌کنند، بلکه فرصتی برای مشارکت در تصمیم‌گیری درباره اهداف مشترک جامعه و بهترین راه دستیابی به این اهداف را می‌یابند (فالاد،^۲ ۲۰۱۴: ۳۸). رایج‌ترین دیدگاه‌ها، رشد مشارکت سیاسی را

^۱. Jorges, C & Petersman

^۲. Falade

به‌عنوان مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی تعریف می‌کند که شهروندان باهدف اثرگذاری بر ساختار دولت، سیاست‌ها و مقامات دولتی انجام می‌دهند (مانتین،^۱ ۲۰۱۵: ۱۴۲). در واقع اصلی‌ترین نوع رشد مشارکت سیاسی در جوامع دموکراتیک، افزایش رأی‌دهی و رشد مشارکت شهروندان در انتخابات است (مرادی فر و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۷). در خصوص تعریف کنش و مشارکت سیاسی، تعریفی است که توسط وربا، اسکولزمن و بردی شرح داده شده است. فعالیتی که باهدف اثرگذاری مؤثر بر اقدامات دولت انجام می‌شود- چه به‌طور مستقیم با اثرگذاری بر ایجاد و یا اجرای سیاست‌های عمومی یا به‌طور غیرمستقیم با اثرگذاری بر انتخاب افرادی که این سیاست‌ها را ایجاد کرده‌اند (کالدر،^۲ ۲۰۱۳: ۷۳). کانوی نیز معتقد بوده که مشارکت سیاسی مجموعه فعالیت‌هایی است که توسط شهروندان برای اثرگذاری بر سطوح مختلف حکومتی نظیر ساختار، سیاست‌ها یا مقامات رسمی دولتی انجام می‌شود (ویتاک و همکاران،^۳ ۲۰۱۱: ۳۳۴).

نوریس نیز معتقد بوده کنش سیاسی عبارت‌اند از همه ابعاد فعالیت‌های اجتماعی که هم برای اثرگذاری مستقیم بر سازمان‌های دولتی و فرایندهای سیاسی طراحی شده و هم برای اثرگذاری غیرمستقیم روی جامعه مدنی و یا تلاش برای تغییر الگوهای سیستماتیک رفتار اجتماعی طراحی شده است (مانتین، ۲۰۱۵: ۱۴۵) رایلی و همکاران اظهار داشته‌اند: مشارکت سیاسی به‌طور سنتی در قالب مجموعه‌ای از حقوق و وظایفی است که شامل فعالیت‌های مدنی و سیاسی سازمان‌یافته نظیر (رأی‌گیری، پیوستن به حزب سیاسی) تصور می‌شود.

۶-۱. توسعه سیاسی

مجموعه مطالعات علمی و پژوهش‌های درباره توسعه سیاسی، آنقدر متنوع و گوناگون است که اگر به ریشه‌ها و اهداف مشترک این مطالعات از یک‌سو و الزامات دسته‌بندی‌های آکادمیک از سوی دیگر توجه نشود، نوعی تشتت و آشفتگی مطالعاتی به ذهن متبادر می‌شود (دبیری مهر، ۱۳۹۳: ۲۳).

^۱. Muntean

^۲. Calder

^۳. Vitak et all

ونالد چیلکوت معتقد است که نظریات توسعه سیاسی را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: الف- آن دسته که توسعه سیاسی را بادموکراسی مترادف می‌دانند؛ ب- آن دسته که بر تغییر و توسعه سیاسی تمرکز تحقیقاتی داشته‌اند؛ پ- آن دسته که به تجزیه و تحلیل بحران‌ها و مراحل تسلسلی توسعه سیاسی پرداخته‌اند (میسایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴).

عبداللهی راد معتقد است توسعه سیاسی بخشی از فرایند پیچیده توسعه ملی است که زمینه‌ها و شرایط لازم را برای نهادینه کردن امر مشارکت و رقابت سیاسی درون جامعه را فراهم می‌کند و حاصل نهایی آن افزایش توانمندی نظام سیاسی است (عبداللهی و راد، ۱۳۹۳: ۳۸). بر این اساس توسعه سیاسی بارشد دموکراسی مترادف است و هراندازه یک نظام سیاسی از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری، از سادگی به پیچیدگی، از دنباله‌روی به خودمختاری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت توسعه سیاسی نیز در آن نظام افزایش می‌یابد. با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان مؤلفه‌های چهارگانه، گذار به توسعه سیاسی را در سه موضوع؛ دولت، جامعه مدنی، مردم و جامعه بیان کرد (پی،^۱ ۲۰۱۵: ۶۳) به عبارت دیگر مؤلفه‌های چهارگانه گذار در این سه محور نمود پیدا می‌کند. در مورد تفاوت بین جامعه مدنی، مردم و جامعه باید گفت که منظور از جامعه مدنی، مجموعه سازمان‌ها، نهادها و تشکیلات غیردولتی است که نقش واسطه بین افراد و گروه‌های اجتماعی و حکومت را بر عهده دارند و در مقابل منظور از مردم و جامعه همان شهروندان هستند که جنبه غیرسازمانی و غیر تشکیلاتی دارد.

۷-۱. همبستگی اجتماعی

شکاف‌های قومی ریشه در ساخت قومی یک جامعه معین دارند به دلیل آنکه ساخت قومی به آرامی تغییر می‌کند، شکاف‌های قومی هم در صورت ثبات ساخت قومی با دوام خواهند بود. تقسیمات درون ساختی قومی باعث ایجاد گروه‌هایی از مردم می‌شود که منافع و منزلت‌های مشترک دارند. (شهریاری و جزایی، ۱۳۹۴: ۷۷). هرچه شکاف قومی در جامعه متراکم‌تر باشد، احتمال خشونت و آسیب ناشی از آن بیشتر است. تبدیل شکاف‌های متراکم به متقاطع یکی از راهبردهای اساسی در مدیریت تضاد قومی است.

^۱. Pye

برای مثال، شکاف قومی در میان بلوچ‌های زابل و گُردهای شیعه از نوع متقاطع است به همین دلیل، احساس تبعیض قومی در میان آنان کم است و دارای سابقه بسیج قومی دامنه‌داری نیستند. یکی دیگر از راهبردهای اساسی، کاهش احساس نابرابریهای مختلف در میان اقوام است که در ابعاد مختلف قابل پیگیری است. برای مثال، با آزاد کردن نخبگان قومی در سطوح مختلف مدیریتی، با قید شایستگی، مشارکت اقوام در تصمیم‌گیری‌های کلان و دادن فرصت برابر برای آموزش و گزینش و استخدام افراد قومی می‌تواند باعث کاهش نابرابری در بعد سیاسی شود که همبستگی اجتماعی نقش مؤثری در کاهش شکاف قومیتی دارد.

همبستگی اجتماعی یکی از نیازهای اساسی و رمز تداوم و بقا جوامع است. طبق نظر به رخ یاز صاحب‌نظران، یکی از زمینه‌های اصلی و مهم در به وجود آمدن همبستگی جمعی، احساس دوستی، نشاط و غرور و امید به خود، زندگی و آینده است. امیل دورکیم معتقد است که همبستگی اجتماعی، روابط اجتماعی و تعهدات متقابل با یکدیگر رابطه دارند و قواعد حقوقی تنظیم‌کننده‌ی این روابط، هستند که بهترین معرف و شاخص همبستگی اجتماعی به حساب می‌آیند. در اثر عدم رعایت قواعد و هنجارها، هرج‌ومرج و بی‌نظمی به وجود می‌آید. بر اساس نظریه همبستگی اجتماعی امیل دورکیم هرگاه هنجارهای اجتماعی اعتبار و قدرت خود را تنظیم و شکل دادن به رفتار افراد جامعه از دست دهند، انتظارات و تمایل افراد قواعد خود را از دست خواهد داد و افراد به آرزوهای دست‌نیافتنی تمایل پیدا می‌کنند. در چنین شرایطی احتمال شکست برنامه‌های افراد شدیدتر شده و در نتیجه امکان افزایش سرخوردگی تشدید خواهد شد. پیش‌بینی می‌شود افزایش سرخوردگی عمومی، نارضایتی عمومی نیز در جامعه افزایش یافته و احساس تعلق به هویت جمعی در جامعه کاهش یابد (به نقل از مقصودی، ۱۳۹۷: ۱۵).

۲. پیشینه پژوهش

قاسمی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی حکمرانی خوب شهری به‌منزله مرجعیت سیاست‌گذاری شهری پرداختند. نتایج نشان می‌دهد مرجعیت سیاست‌های شهری؛ تعریف روشنی از جایگاه بخش حکمرانی شهری در ایران ارائه نمی‌کند، خواست و انتظار مسئولان از حکمرانی شهری به‌خوبی تبیین نشده و نگاه تمرکزگرایانه هنوز وجود دارد. در نتیجه ابهام

مرجعیت بخش حکمرانی شهری، بر فرایند تدوین، اجرا و ارزیابی سیاست‌ها تأثیر گذاشته و موجب محقق نشدن اهداف توسعه حکمرانی خوب شهری شده است.

وافره کوهستانی (۱۳۹۸) به بررسی ارزیابی حکمرانی خوب شهری توسط شهرداری‌ها به منظور جلب مشارکت شهروندان پرداخت. به این نتیجه رسید قانون اساسی هر کشوری ضمن تعریف اصول اساسی، ساختار، سلسله‌مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت، به تعیین و تضمین حقوق شهروندان و تنظیم روابط قدرت می‌پردازد. حکمرانی خوب شهری گفتمان جدیدی است که با مؤلفه‌هایی مانند قانونمندی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و کار آیی تعریف می‌شود که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

رضایی و توحید فام (۱۳۹۷) در مقاله «نسبت سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالاری دینی (با تأکید بر شاخص‌های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی)» پرداخت و ۷ فرضیه اصلی این مقاله بیان می‌کند «بین حکمرانی خوب و تقویت مردم‌سالاری دینی در ایران، رابطه مستقیمی وجود دارد.» این مقاله می‌کوشد نشان دهد که حکمرانی خوب به‌عنوان الگویی برای کشورهای در حال توسعه، بستر مناسبی برای تقویت مردم‌سالاری دینی است.

امیرزاده و برزوئی (۱۳۹۶) به بررسی واکاوی مفهومی حکمروایی شهری خوب و نقش آن در توسعه پایدار شهری پرداختند. به‌کارگیری رویکرد حکمروایی خوب و متناسب با بافت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشورمان، به‌عنوان رویکردی که کشور را بیش‌ازپیش در مسیر توسعه پایدار، توسعه پایدار شهری و شهر پایدار هدایت خواهد کرد، ضرورتی بسیار پیدا کرده است. در این راستا، جهت دستیابی به توسعه منطقه‌ای و شهری باید نهادهای محلی و مردمی را درگیر مسئله کرد و این امر نیازمند ایجاد جوامع مدنی است. مقاله حاضر به روش اسنادی در ابتدا به معرفی الگوی حکمروایی شهری خوب و سپس تجزیه و تحلیل مفاهیم توسعه پایدار، پایداری، توسعه پایدار شهری و شاخص‌های آن و شهر پایدار و تأثیر حکمروایی خوب شهری در توسعه پایدار شهری و متعاقباً ایجاد شهر پایدار پرداخته است.

آدینه‌وند و علیان (۱۳۹۵) نیز در مقاله «حکمرانی خوب شهری در ایران: اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و معرفه‌ها» ابتدا به تفسیر مؤلفه‌های حکمرانی خوب شهری در دیگر کشورهای

توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌پردازند و برای درک اهمیت مؤلفه‌ها از الگوی تحلیلی تاپسیس استفاده می‌کنند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد مؤلفه‌های حاکمیت قانون، مشارکت و برابری در مدل حکمرانی خوب شهری ایران دارای اولویت هستند.

حاجی نژاد و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تحلیل جایگاه و تدوین برنامه‌ی استراتژیک حکمروایی خوب مطالعه‌ی موردی: شهر زاهدان پرداختند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از مدل SWOT و ابزار پرسشنامه به تحلیل جایگاه برنامه استراتژیک حکمروایی خوب شهری پرداخته می‌شود. برای تحقق این هدف بر اساس فرمول کوکران، اقدام به تکمیل ۳۸۵ پرسشنامه از شهروندان و تعداد ۳۲ پرسشنامه از کارشناسان و متخصصان شهرداری و شورای شهر شده است. نتایج نشان داد از نظر شهروندان، بهترین وضعیت در بین شاخص‌های حکمروایی خوب متعلق به شاخص‌های بینش راهبردی و مشارکت بوده و از نظر کارشناسان بهترین وضعیت متعلق به شاخص پذیرش و پاسخ‌دهی می‌باشد. نتایج حاصل از تحلیل SWOT نیز نشان می‌دهد موقعیت حکمروایی در شهر زاهدان از میان چهار حالت تهاجمی، محافظه‌کارانه، رقابتی و تدافعی در موقعیت تدافعی قرار دارد.

رحمان، واحد و نعیم^۱ (۲۰۱۷) در مقاله ارزیابی حکمرانی شهری استفاده از شاخص حکمرانی شهری هابیتات: مورد مطالعه مدیریت شهری تحصیل پنجاب، پاکستان، بر اساس شاخص حکمرانی شهری که توسط مرکز سکونتگاه‌های بشری سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ مطرح شده بود به بررسی مدیریت شهری تحصیل در پنجاب می‌پردازند. شاخص‌های مورد استفاده در تحقیق شامل کارآمدی، برابری، مشارکت و پاسخگویی است

شیام سینگ^۲ (۲۰۱۶) در مقاله تحت عنوان «مشارکت شهروندان در امور شهری و تلاش برای شفافیت و پاسخگویی» بیان می‌کند که شهرنشینی در حال رشد که نه تنها اقتصاد کشور هند را تحت تأثیر قرارداد بلکه چالش‌های حکومت را پیچیده کرد. یکی از راه‌حل‌ها

^۱. Rehman, Waheed and Naeem

^۲. Singh.shyam

غیرمتمرکز کردن حکومت است که در آن شهروندان باید سهم عمده‌ای در تصمیم‌گیری در مورد این‌که چگونه باید شهرها مدیریت شوند دارند.

الویرا و همکاران^۱ (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با موضوع «اقتصاد سبز و حکمرانی شهری: ارزیابی حکمرانی خوب در فرآیندهای کلیدی اقتصادی شهری» مکانیسم‌هایی را برای ایجاد سیستم‌های اجتماعی و زیست‌محیطی اقتصاد سبز ارائه کرده و به این نتیجه می‌رسد که اگر ما قادر به درک و تشخیص اداره روابط بین شهرها و محیط محلی و جهانی، نباشیم حیات شهرها در بلندمدت با تهدید مواجه خواهد شد و عواقب غیرقابل‌تصور برای ساکنان شهرهای امروزی خواهد داشت.

کیو شنگ^۲ (۲۰۱۵) مقاله تحت عنوان «حاکمیت شهری خوب در جنوب شرق آسیا» بیان می‌کند که جنوب شرقی آسیا در حال تجربه رشد سریع اقتصادی و شهرنشینی است. امروزه بیش از ۴۰ درصد آن در مناطق شهری زندگی می‌کنند. باسیاست‌های عدم تمرکز، مسئولیت از سطح ملی به دولت محلی منتقل شده و انتظار می‌رود که چنین سیاست‌هایی برافزایش عملکرد کارآمد در مناطق شهری و حمایت از رشد اقتصادی بیشتر مؤثر باشد.

هاوس و کلوزن^۳ (۲۰۱۵) در مقاله تحت عنوان «رهبری خوب شهری و مشارکت جامعه مواد لازم برای حکمروایی خوب» نشان دادند که چگونه رهبری سیاسی و مشارکت در جامعه باهم می‌تواند به تصمیم مؤثر قانونی و سیاسی در ایجاد زمینه حکمرانی خوب شهری کمک کنند.

امانوئل^۴ (۲۰۱۴) در مقاله‌ای با موضوع «حکمرانی مشارکتی خوب در نیجریه؛ سوابق، گزاره‌ها و ویژگی‌ها» به بررسی و بیان سوابق می‌پردازد و نحوه بهره‌برداری و استفاده بهینه از سوابق را با توجه به خصوصیات سازمانی نهادها در راستای رفع چالش‌ها بیان می‌کند.

^۱. Oliveira et all

^۲. Kioe sheng

^۳. Haus.Klausen

^۴. Emmanuel

هندریکس^۱ (۲۰۱۴) در مقاله «فهم حکمرانی خوب شهری: ضرورت‌ها، تغییرات و ارزش‌ها» به پنج ارزش مرکزی حکمرانی خوب اشاره می‌کند که عبارت‌اند از: مسئولیت‌پذیری، اثربخشی، برابری رویه‌ای، انعطاف‌پذیری و تعادل. همچنین وی به شناسایی تغییراتی که در حکمرانی شهری رخ داده که شامل تصمیم‌گیران واقعی یا شهروندان معمولی، با توجه فزاینده به انتخاب‌گزینه‌شی یا مشورت یکپارچه می‌پردازد.

این پژوهش به جهت روش کار و داده‌های جمع‌آوری شده بسیار قابل‌ابتکار است. ولی از این مهم‌تر، جنس حکمرانی در شهر زاهدان محل اعتنا می‌باشد. بدین علت که زاهدان؛ شهری با ترکیب جمعیتی و قومیتی خاص است و نمی‌توان الگوی توسعه پایدار را با عدم اهمیت به مقوله توسعه سیاسی، رقم زد؛ و برای حل مسئله در شهر زاهدان و جنس مطالعه موردی پژوهش اقتضا می‌کند تا ابتکار جدیدی از نظریه حکمرانی زد؛ و از این جهت، خیلی جدید و مبتکرانه است که در نوع خود کم‌سابقه است.

۳. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی-پیمایشی است و از نظر هدف کاربردی و از نظر زمان مقطعی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش مردم شهر زاهدان می‌باشد که روش نمونه‌گیری از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده می‌باشد. شهر زاهدان از مرکز استان سیستان و بلوچستان است. بر پایه سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهر ۶۷۲,۵۸۹ نفر (در ۱۶۸,۴۸۰ خانوار) بوده است که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نمونه به دست آمد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left[\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right]}$$

$$384 = \frac{\frac{1.96^2 \cdot .5 * .5}{.05^2}}{1 + \frac{1}{672589} \left[\frac{1.96^2 \cdot .5 * .5}{.05^2} - 1 \right]}$$

در این فرمول N حجم جامعه است. آماره p درصد توزیع صفت در جامعه یعنی نسبت افرادی است که دارای صفت مورد مطالعه هستند. آماره q نیز درصد افرادی است که فاقد صفت مورد مطالعه هستند. اگر میزان p و q مشخص نباشد از حداکثر مقدار آن‌ها یعنی ۵۰% استفاده کنید. آماره $z=t$ است و اگر به جای z از t استفاده کنید نیز ایرادی ندارد. در سطح خطای ۵% مقدار z برابر $۱/۹۶$ و Z برابر $۳/۱۶۸۴$ است. جهت گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شد و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است که از ابعاد مشارکت سیاسی، توسعه سیاسی، همبستگی اجتماعی، اعتماد عمومی و حاکمیت قانون تشکیل شده است که نشان‌دهنده ابعاد حکمرانی خوب شهری است و جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار spss22 و از آزمون‌های توزیع فراوانی، آزمون فرمالتیه و آزمون t مستقل، استفاده شد.

۴. یافته‌ها

توضیحات

طبق نتایج حاصل از تحقیق، $۲۸,۹$ درصد را زنان و $۷۱,۱$ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. در رابطه با فرقه مذهبی، $۴۱,۵$ درصد را مذهب شیعه و $۵۸,۵$ درصد را مذهب سنی تشکیل می‌دهند و در رابطه با سن، $۳۹,۲$ درصد دارای تحصیلات دیپلم و کمتر، $۳۸,۶$ درصد دارای تحصیلات فوق‌دیپلم و لیسانس و $۲۳,۲$ درصد دارای تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر می‌باشد و در رابطه با سن نیز، $۱۴,۳$ درصد دارای تحصیلات $۱۸ - ۲۵$ سال، $۲۸,۷$ درصد دارای تحصیلات ۲۵ تا ۳۵ سال، $۲۲,۸$ درصد دارای سن ۳۵ تا ۴۵ سال و $۲۱,۱$ درصد دارای ۴۵ تا ۵۵ سال و $۱۳,۱$ درصد دارای سن ۵۵ سال و بالاتر می‌باشند.

جدول (۱). توزیع فراوانی

جنسیت	درصد	فوق دیپلم و لیسانس	۳۸,۶
زن	۲۸,۹	فوق لیسانس و بالاتر	۲۳,۲
مرد	۷۱,۱	سن	درصد

فرقه	درصد	۱۸-۲۵ سال	۱۴,۳
شیعه	۴۱,۵	۲۵-۳۵ سال	۲۸,۷
سنی	۵۸,۵	۳۵-۴۵ سال	۲۲,۸
تحصیلات	درصد	۴۵-۵۵ سال	۲۱,۱
دیپلم و کمتر	۳۹,۵	۵۵ سال و بالاتر	۱۳,۱

طبق نتایج حاصل از تحقیق، در رابطه با میانگین متغیر مشارکت سیاسی ۳,۱ است و بیشتر از حد میانگین است و به این معنی است که مشارکت سیاسی در سطح بالایی می‌باشد، میانگین توسعه سیاسی ۲,۴۵ درصد می‌باشد که کمتر از حد میانگین (۳) و در سطح پایینی از توسعه سیاسی در بین مردمان شهر زاهدان وجود دارد و میانگین همبستگی اجتماعی ۲,۱۲ درصد که کمتر از حد میانگین ۳ است و نشان می‌دهد که همبستگی اجتماعی در سطح پایینی قرار دارد و میانگین متغیر اعتماد عمومی، ۲,۲۲ و کمتر از حد متوسط است و نشان می‌دهد که اعتماد عمومی در بین مردم اهل زاهدان در سطح پایینی است و میانگین حاکمیت قانون نیز ۲,۳۲ می‌باشد که کمتر از حد متوسط و نشان می‌دهد که حاکمیت قانون در زاهدان کمتر از حد متوسط است.

جدول (۲). توزیع فراوانی متغیرها

انحراف معیار	میانگین	
۰,۲۱۵۶	۳,۱	مشارکت در انتخابات و شهر
۰,۱۸۴۵	۲,۴۵	توسعه سیاسی
۰,۱۷۸۹	۲,۱۲	همبستگی اجتماعی
۰,۱۸۲۷	۲,۲۲	اعتماد عمومی
۰,۱۹۳۱	۲,۳۲	حاکمیت قانون

بررسی نرمال بودن توزیع متغیرهای تحقیق

قبل از بررسی فرضیه‌ها لازم است نرمال بودن متغیرهای مطالعه موردبررسی قرار گیرد. آزمون^۳-کولموگروف اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن متغیرها بکار می‌روند. هنگام

بررسی نرمال بودن داده‌ها فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است در سطح خطای ۵٪ تست می‌شود. بنابراین اگر آماره آزمون بزرگ‌تر مساوی ۰/۰۵ به دست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت.

به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود. برای آزمون نرمالیته فرض‌های آماری به صورت زیر تنظیم می‌شود:

H0: توزیع داده‌های مربوط به هر یک از متغیرها نرمال است.

H1: توزیع داده‌های مربوط به هر یک از متغیرها نرمال نیست.

نتایج آزمون‌های نرمالیته در جدول (۳)، آورده شده است:

جدول (۳). نتایج آزمون نرمالیته

متغیر	مقدار آماره	درجه معناداری
مشارکت در انتخابات و شهر	۰,۱۲۳	۰,۰۸۹
توسعه سیاسی	۰,۰۵۸	۰,۱۰۲
همبستگی اجتماعی	۰,۱۳۴	۰,۰۷۹
اعتماد عمومی	۰,۱۱۲	۰,۰۶۱
حاکمیت قانون	۰,۱۶۲	۰,۰۸۱

همان‌طور که مشخص است از آنجاکه آماره آزمون بزرگ‌تر مساوی ۰/۰۵ برای کلیه متغیرهای مطالعه، به‌دست‌آمده است، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت. به‌عبارت‌دیگر توزیع داده‌ها نرمال هستند.

آزمون فرضیه‌ها

۱. به نظرمی‌رسد مشارکت سیاسی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است.

جدول (۴). آزمون t

درجه معناداری	T آماره	بالا ترین	پایین ترین	انحراف معیار	میانگین	
۰,۰۰۰	۱,۲۰۱	۳,۲۵	۱,۲۴	۰,۲۱۵	۳,۱۲	مشارکت در انتخابات و شهر

طبق نتایج حاصل از جدول، در رابطه با میانگین متغیر مشارکت سیاسی (۳,۱۲) است و بیشتر از حد متوسط ۳ و انحراف معیار ۰,۲۱۵ است و آماره t (۱,۲۰۱) و درجه معناداری کمتر از ۰,۰۰۱ است و می‌توان بیان داشت که مشارکت سیاسی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است و می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل حکمرانی خوب در توسعه آن کمک کرد.

۱. به نظرمی‌رسد توسعه سیاسی در حکمرانی خوب شهر در شهر زاهدان مؤثر است.

جدول (۵). آزمون t

درجه معناداری	T آماره	بالا ترین	پایین ترین	انحراف معیار	میانگین	
۰,۰۰۰	۱,۱۲۱	۳,۱۴	۱,۲۴	۰,۱۸۴۵	۲,۴۵	توسعه سیاسی

طبق نتایج حاصل از جدول، در رابطه با میانگین متغیر توسعه سیاسی (۲,۴۵) است و کمتر از حد متوسط ۳ می‌باشد و انحراف معیار ۰,۱۸۴ است و آماره t (۱,۲۰۱) می‌باشد،

درجه معناداری کمتر از ۰,۰۰۱ است و می‌توان بیان داشت که توسعه سیاسی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است و می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل حکمرانی خوب در توسعه آن کمک کرد.

۱. به نظرمی رشد کمرنگ کردن شکاف قومیتی از طریق همبستگی اجتماعی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است.

جدول (۶). آزمون t

درجه معناداری	T آماره	بالا ترین	پایین ترین	انحراف معیار	میانگین	
۰,۰۰۰	۱,۲۱۴	۳,۲۴	۱,۳۱۲	۰,۱۷۸	۲,۱۲	همبستگی اجتماعی

طبق نتایج حاصل از جدول، در رابطه با میانگین متغیر همبستگی اجتماعی (۲,۱۲) است و کمتر از حد متوسط ۳ می‌باشد و انحراف معیار ۰,۱۷۸ است و آماره t (۱,۲۱۴) می‌باشد، درجه معناداری کمتر از ۰,۰۰۱ است و می‌توان بیان داشت که همبستگی اجتماعی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است و می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل حکمرانی خوب در توسعه آن کمک کرد.

۱. به نظرمی رسد اعتماد عمومی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است.

جدول (۷). آزمون t

درجه معناداری	T آماره	بالا ترین	پایین ترین	انحراف معیار	میانگین	
۰,۰۰۰	۱,۳۷۱	۳,۴۱	۱,۱۸۵	۰,۱۸۲	۲,۲۲	اعتماد عمومی

طبق نتایج حاصل از جدول، در رابطه با میانگین متغیر همبستگی اجتماعی (۲,۲۲) است و کمتر از حد متوسط ۳ می‌باشد و انحراف معیار ۰,۱۸۲ است و آماره t (۱,۳۷۱) می‌باشد، درجه معناداری کمتر از ۰,۰۰۱ است و می‌توان بیان داشت که اعتماد عمومی در حکمرانی

خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است و می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل حکمرانی خوب در توسعه آن کمک کرد.

۱. به نظرمی‌رسد حاکمیت قانون در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است.

جدول (۸). آزمون t

درجه معناداری	T آماره	پایین‌ترین	بالا‌ترین	انحراف معیار	میانگین	حاکمیت قانون
۰,۰۰۰	۱,۲۸۱	۳,۳۵	۱,۱۴۱	۰,۱۹۳	۲,۳۲	

طبق نتایج حاصل از جدول، در رابطه با میانگین متغیر حاکمیت قانون (۲,۳۲) است و کمتر از حد متوسط ۳ می‌باشد و انحراف معیار ۰,۱۹۳ است و آماره t (۱,۲۸۱) می‌باشد، درجه معناداری کمتر از ۰,۰۰۱ است و می‌توان بیان داشت که حاکمیت قانون در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است و می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل حکمرانی خوب در توسعه آن کمک کرد.

۵. نتیجه‌گیری

طبق نتایج حاصل از در رابطه با فرضیه اول پژوهش، مشارکت در انتخابات و شهر در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است و می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل حکمرانی خوب در توسعه آن کمک کرد و بیشتر از حد میانگین است نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های وافره کوهستانی (۱۳۹۸)، رحمان، واحد و نعیم (۲۰۱۷)، شیام سینگ (۲۰۱۶) همسو است. حکمرانی خوب به‌عنوان الگوی جدید توسعه است که در آن دولت باید بتواند به‌عنوان یکی از ارکان سه‌گانه با مشارکت بخش خصوصی و مدنی به فعالیت در جهت دستیابی به توسعه پایدار در شهر زاهدان بپردازد؛ بنابراین حکمرانی خوب با ویژگی‌هایی که دارد در تنظیم روابط دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی، به‌گونه‌ای عمل می‌کند که هریک از بخش‌ها با اثربخشی بالا به اهداف تعیین‌شده دست‌یافته، بازدهی فعالیت را حداکثر نموده و با همکاری تعاملی حداکثر استفاده از توان و ظرفیت‌های موجود

را بنمایند. مشارکت امروزه، به تمرکززدایی در ابعاد مختلف آن، به‌عنوان یکی از روش‌های حل مسائل و مشکلات کشور و استفاده بهتر از توانایی‌ها، توجه فراوان می‌شود و مشارکت در انتخابات و شهر مردم زاهدان سبب می‌شود که آنان نگرشی مثبت به حکمرانی خوب داشته باشند و در رابطه با فرضیه دوم پژوهش می‌توان بیان داشت توسعه سیاسی در حکمرانی خوب شهر در شهر زاهدان مؤثر است و کمتر از حد میانگین است نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های قاسمی و همکاران (۱۳۹۹). همسو است. در مورد بسیاری از پارامترهای اصلی توسعه سیاسی چون مشروعیت و مشارکت سیاسی میان محققان علوم سیاسی اتفاق نظر وجود دارد؛ اما به‌محض آنکه این عناصر در ارتباط با جوامع و فرهنگ‌ها و ساختارهای متفاوت اقتصادی، سیاسی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرند، به‌سادگی نمی‌توان با توجه به پارامترهای مزبور جامعه‌ای را از نظر سیاسی توسعه‌یافته و یا نظام دیگر را عقب مانده تلقی کرد، ولی در تحقیق حاضر توسعه سیاسی از سطح پایینی از میانگین قرار دارد و حکمرانی خوب در این زمینه به‌خوبی عمل نکرده است و اعتمادی که در این زمینه وجود دارد کمتر از حد متوسط می‌باشد. در رابطه با فرضیه سوم، کم‌رنگ کردن شکاف قومیتی از طریق همبستگی اجتماعی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است، ولی کمتر از حد میانگین است. نکته مهمی که باید مورد توجه قرار گیرد این است که وجود اقوام مختلف در یک کشور را نمی‌توان به‌هیچ‌رویی به‌تنهایی دلیلی بر تحرکات مثبتی بر هویت‌جویی قومی و نژادی دانست. باید دید در چه صورتی اقلیت‌های قومی، هویت خود را در خطر می‌بینند و همبستگی و پیوند قومی در مقابل پیوند به دولت قرار می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، در هر جامعه‌ای می‌توان سلسله‌ای از پیوندها را در نردبانی از تعلقات از نظر اهمیت و سلسله‌مراتب قرارداد. نوعاً پیوند با دولت باید در رأس هرم پیوندها قرار گیرد و هیچ پیوند و تعلق دیگری نتواند با این پیوند رقابت کند. تا زمانی که پیوندهای مختلف قومی، زبانی، گروهی، حزبی در طول پیوند به دولت هستند، مشکلی وجود ندارد وجود همبستگی در زاهدان می‌تواند این شکاف را کاهش دهد و لازم است در این زمینه اقدامات لازم صورت گیرد. طبق نتایج حاصل از فرضیه چهارم، اعتماد عمومی در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است و کمتر از حد میانگین است. حکومت بر اساس اعتماد مردم به آن شکل می‌گیرد و از این‌رو، زمانی که این اعتماد تضعیف شود یا از بین برود، دولت نیز در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. در فضای مثبتی هر اعتماد عمومی بین

شهروندان و دولت ابزارهایی مانند زور و اجبار برای تضمین دادوستدها کارایی خود را از دست می‌دهند و در عوض، قصد افراد برای بازپرداخت‌ها و اعتقاد به درستکاری افزایش می‌یابد که متأسفانه اعتماد عمومی در بین شهروندان شهر زاهدان در حد پایینی است و طبق نتایج حاصل از فرضیه پنجم، حاکمیت قانون در حکمرانی خوب شهری در شهر زاهدان مؤثر است و کمتر از حد میانگین است. نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های آدینه‌وند و علیان (۱۳۹۵) و شیام سینگ (۲۰۱۶) همسو است. حکمرانی خوب، نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که دربرگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (به‌ویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به‌صورت شایسته‌ای اجرا شود. اعتماد مردم به قوانین، قابلیت پیش‌بینی دستگاه قضایی، وجود جرم‌های سازمان‌یافته، احتمال موفقیت در شکایت علیه دولت از جمله مؤلفه‌های سنجش شاخص حاکمیت قانون هستند. با توجه به نتایج بیان‌شده، زاهدان به لحاظ اجتماعی از وجود دو تا شکاف شیعی-سنی، شکاف فارس و بلوچ رنج می‌برد و این دو شکاف روی هم‌رفته تبدیل به گسل شده است لذا پیشنهاد می‌شود مقاطع کردن شکاف‌ها به‌عنوان راه‌حلی که به همبستگی اجتماعی نزدیک می‌شود را در پیش بگیرند و اگر روند همبستگی اجتماعی در زاهدان تقویت شود و به سمت اعتماد عمومی حرکت کند شاهد شکوفایی در عرصه سیاسی و میزان مشارکت در آرای انتخابات ریاست جمهوری و خبرگان و مجلس می‌شود و این عامل به‌نوبه خود توسعه و مشارکت سیاسی را نیز تقویت می‌کند و همچنین پیشنهاد می‌شود جهت افزایش اعتماد عمومی و حفظ همبستگی در استان از طریق استخدام دولتی بلوچ‌ها و انتصابشان در مدیریت‌های کلان استانی و کاهش آمار بیکاری و تقویت آموزه‌های وحدت، انسجام اسلامی باعث متقاطع یا کمرنگ نمودن شکاف‌های نامبرده می‌شود. لذا مسیر توسعه پایدار در زاهدان با اولویت مسائل اجتماعی و کمرنگ نمودن شکاف‌های نامبرده، کلید می‌خورد. در نتیجه حکمران یا کارگزاران کشورمان در سیاست ورزی‌هایشان این راه‌حل را مدنظر اقداماتشان در خصوص این شهر با بافت اجتماعی خاصش، قرار دهند.

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۳)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، چاپ چهل و هفتم، تهران: گنج دانش.
۲. آدینه‌وند، علی‌اصغر و مهدی علیان (۱۳۹۵)؛ حکمرانی خوب شهری در ایران: اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و معرفه‌ها، راهبرد، سال ۲۵، شماره ۸۱، صص ۳۳-۴۵.
۳. امیرزاده، عدالت و سوده برزویی، (۱۳۹۶)، «واکاوی مفهومی حکمروایی شهری خوب و نقش آن در توسعه پایدار شهری»، *کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر*، تهران، دانشگاه اسوه - تهران - دانشگاه شهید بهشتی، صص ۱۱-۱۹.
۴. اسماعیل‌زاده، حسن؛ مظفر صرافی (۱۳۹۴). «جایگاه حکمرانی خوب برنامه‌ریزی شهری طرح متروی تهران»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*. شماره ۴۸. صص ۲۸-۲.
۵. ابراهیم‌زاده، عیسی، شمس‌اله کاظمی زاد (۱۳۹۵). «سنجش میزان رضایتمندی و تمایل به مشارکت شهروندان در اجرای پروژه‌های زیربنایی شهرداری نمونه موردی: شهر زاهدان». *مجله جغرافیا و توسعه*. شماره ۲۰. صص ۲۲-۱. استانداری سیستان و بلوچستان، زاهدان.
۶. ترابی، علیرضا (۱۳۹۵). «مدیریت پایدار شهری در گرو حکمرانی خوب»، *نشریه شهرداری‌ها*. شماره ۶۹. صص ۵.
۷. تقوایی، علی‌اکبر، رسول تاجدار (۱۳۹۲). «درآمدی بر حکمرانی خوب شهری در رویکردی تحلیلی»، *فصلنامه مدیریت شهری*. شماره ۲۳، صص ۵۸-۴۵.
۸. حاجی نژاد، علی، ابوذر پایدار، حامد ارشد (۱۳۹۵)؛ «تحلیل جایگاه و تدوین برنامه‌ی استراتژیک حکمروایی خوب مطالعه موردی: شهر زاهدان»، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، جغرافیا و توسعه، ش ۴۵، صص ۱۶-۲۷.
۹. دبیری مهر، امیر، (۱۳۹۳) «گونه شناسی مطالعات توسعه سیاسی از نظریه‌های جامعه‌محور تا نظریه‌های دولت‌گرا»، *فصلنامه راهبرد*، بهار، شماره ۵۵، صص ۱۸-۲۸.

۱۰. رضایی، حسن و محمد توحید فام (۱۳۹۷)، «نسبت سنجی الگوی حکمرانی خوب و مردم‌سالاری دینی با تأکید بر شاخص‌های حاکمیت قانون، مشارکت و پاسخگویی» فصلنامه راهبرد، سال ۲۷، شماره ۸۹، صص ۱۶-۲۳.
۱۱. رهنما، محمدرحیم، روح‌الله اسدی (۱۳۹۳). «تعیین وضعیت شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در شهر مشهد»، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای. سال پنجم. شماره ۲۰، صص ۱۶۲-۱۴۳.
۱۲. شهریاری، ابوالقاسم؛ جزایی، محدثه (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر شکاف‌های قومی - مذهبی در شکل‌گیری رادیکالیسم در نیجریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۴ صص ۷۷-۹۷.
۱۳. طلوعی، هادی (۱۳۹۵)، «رابطه مناسبات قومی و امنیت در استان سیستان و بلوچستان»، فصلنامه سیاست. سال سوم، شماره ۱۰، صص ۱۰۷-۱۲۲.
۱۴. عبداللهی، محمد و فیروززاد، (۱۳۹۳) «بررسی روند تحول و موانع ساختاری توسعه سیاسی دران ۱۳۰۴-۱۳۸۲» مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، بهار، شماره ۸، صص ۱۹-۲۱.
۱۵. قاسمی، ابوالفضل؛ قزلسفلی، محمدتقی؛ مسلمی مهنی، یوسف (۱۳۹۹)، «حکمرانی خوب شهری به‌منزله مرجعیت سیاست‌گذاری شهری تحلیل محتوای برنامه پنجم و ششم توسعه جمهوری اسلامی ایران»؛ فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۷، شماره ۱۰۱، صص ۳۶-۴۸.
۱۶. لاله پور، منیژه (۱۳۹۶). «حکمرانی شهری و مدیریت شهری در کشورهای درحال توسعه، جستارهای شهرسازی»، شماره ۱۹ و ۲۰، صص ۷۱-۶۰.
۱۷. مرادی فر، سعیده، امید، علی و بصیری، محمدعلی (۱۳۹۷). «تبیین تأثیر تلگرام بر مشارکت سیاسی مطالعه موردی دانشگاه اصفهان» فصلنامه ارتباطات جمعی رسانه، شماره ۴۷، سال ۴، صص ۳۴۱-۳۹.

۱۸. مقصودی، مجتبی (۱۳۹۷)، «سنجش هویت جمعی ایرانیان؛ با تأکید بر همبستگی اجتماعی»، فصلنامه مطالعات ملی، ۷۵، سال ۱۹، شماره ۳، صص ۲۲-۳۴.
۱۹. میسای، قاسم؛ فائز دین‌پرست، عباس تقی پور (۱۳۹۸). «بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۷، بهار ۱۳۹۸ (شماره پیاپی ۵۸)، ص ۱۹.
۲۰. نژندی منش، هیبت‌الله و ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، «نقش دادگاه‌های بین‌المللی کیفری در حفظ و استقرار صلح و امنیت بین‌المللی»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی فقه و مبانی حقوق، دوره ۶، شماره ۲۰.
۲۱. وافر کوهستانی، مهدیه (۱۳۹۸)، «ارزیابی حکمرانی خوب شهری توسط شهرداری‌ها به‌منظور جلب مشارکت شهروندان»، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، شماره ۱۷، ص ۱۸.

1. Adegbite, Emmanuel (2014). Good corporate governance in Nigeria: Antecedents, propositions and peculiarities, *International Business Review*, 3 (8), pp.34-41.
2. Brunetta, Grazia and et al. (2019). *Urban Resilience for Risk and Adaptation Governance Theory and Practice*. Springer International Publishing AG., 2(5), pp.46-75.
3. Calder, Ben (4931), "Political Participation in the Social Media Moment: the Emergence of Personal Politics", *Bachelor of Media and Communication*, School of Media and Communication, RMIT University., 6(11), pp.48-59.
4. Edelenbos, J. & Meerkerk, I.V. (2017): Finding common ground in urban governance networks: what are its facilitating factors? *Journal of Environmental Planning and Management*, 1-17.
5. Falade, D. A. (4932), "Political Participation in Nigerian Democracy: A Study of Some Selected Local Government Areas in Ondo State, Nigeria", *Global Journal of Human Social Science*, 32(8), pp.37-41.
6. Gilaninia, S. Ganjnia, H. Babaei, Z. & Mousavian, S. J. (2011). Dimensions of Knowledge Management on Good Urban Governance (Case Study: Municipality of Rasht City, Iran). *Journal of Management and Strategy*, 2(3), 91.
7. Haus, Klausen, Michael, Jan Erling. 2015. *Urban Leadership and Community Involvement: Ingredients for Good Governance?* SAGE Publications, Urban, 4(3), pp.76-46.

8. Hekmatnia, H. Mousavi, M.N. Afshani, A. R. & Maleki, M. (2017). Analysis of urban good governance in Iran (Case study: Ilam city). *The Journal of Geographical Planning of Space Quarterly*, 7(24), 143-152.
9. Hendriks, Frank (2014). "Understanding Good Urban Governance: Essentials, Shifts, and Values", *Urban Affairs Review*, Vol. 50(4).
10. Jorges, C & Petersman. E, (2011), *Constitutionalism*, Hart Publishing.
11. Kioe sheng,yap. (2015). *Good UrbanGovernancein Southeast Asia*. SAGEPublications. Environment andUrbanization ASIA1(2) 131147© 2010 National Instituteof Urban Affairs (NIUA).
12. Lock Wood, Michael (۲۰۱۶). Good Governance for terrestrial protected areas, *Jurnal of environmental management*.
13. Moore-Cherry, Niamh and John Tomaney (2018)."Spatial Planning, Metropolitan Governance and Territorial Politics in Europe: Dublin as a Case of Metro-Phobia?", *European Urban and Regional Studies*, 00(0).
14. Movahed, A; Kaman Rudi, M; Sasanpour, F; Ghasemi Kafroodi, S. (2014): "Investigation of Good Urban Governance in Urban Neighborhoods (Case Study: District 19 of Tehran Municipality)", *Journal of Planning Studies Urban*, Second Year, No. 7, pp. 176-147.
15. Muntean, Alina(2015), "The Impact of Social Media Use of Political Participation", Master Thesis, Aarhus University.
16. Oliveira. j, Christopher N.H. Doll & Osman Balaban(2015).Green economy and governance in cities:assessing good governance in key urban economicprocesses, *Journal of Cleaner Production*, No. 58,PP: 138-152.
17. Pye, L. W, (2015), *Communications and Political Development*, (SPD-1).
18. Rakodi, C. (2003): *Politics and performance: the implications of emerging governance arrangements for urban management approaches and information systems*, *Habitat International* 27,523–547.
19. Rezaei, M.R; Moazen, S. (2017): "Evaluation of the Relationship of Neighborhood Management with Urban Governance in Tehran Metropolis Case Study: Districts 1, 12 and 16 of Tehran City", *Journal of Geography and Urban Planning*, Volume 21, No. 60, 142-119.
20. Rizwan Ur Rehman, Abdul Waheed and Malik Asghar Naeem (2017). "Assessment of Urban Governance Using UN-Habitat Urban Governance Index: A Case Study of Tehsil Municipal Administrations of Punjab, Pakistan", *Urban and Regional Planning*, Vol. 2(4).
21. Safayipour, M. Amanpour, S. & Naderi Chageni, Z. (2013). Evolution and Analysis of Materialization of Urban Good Governance KHORRAMABAD City. *Quarterly Geographical Journal of Cheshmandaz-e-Zagros*, 5(17), 115-130.
22. Shahidul, M. & Swapan, H. (2016): *Participatory Urban Governance in Bangladesh: A Study of the Gap between Promise and Realities*, *Environment and Urbanization ASIA* 7(2), 196– 213.

23. Singh·shyam. (2016). Citizens' Participation in Urban Governance: Quest for Transparency and Accountability. SAGE Publications. Environment and Urbanization Asia 4(1) 191–202©.
24. van den Dool, L. Hendriks, F. Gianoli, A. & Schaap, L. (2015). Chapter one Introduction: Good Urban Governance: Challenges and Values. In The Quest for Good Urban Governance (pp. 11-28). Springer VS, Wiesbaden.
25. Vitak, J. Zube, P. Smock, A. Carr, C. Ellison, N. Lampe, C(4933) "It's Complicated: Facebook Users' Political Participation in the 4998 Election" *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 32(1), pp.397-332.
26. Waema, T. M. & Adera, E. O. (Eds). (2011). Local governance and ICTs in Africa: case studies and guidelines for implementation and evaluation. IDRC, 23(8), pp.76-113.